

9 قدم عملی برای مردان در مقابله با خشونت علیه زنان

Photo: cylonphoto/bigstockphoto.com

برگردان مرصده محرابی از [روبان سفید](#)

خشونت علیه زنان تنها زمانی پایان می‌پذیرد که مردان نیز برای متوقف کردن آن دست به کار شوند. اما در مسیر پایان دادن به خشونت علیه زنان، از مردان چه کمک‌های برمی‌آید:

۱ - گوش دادن به زنان

چه کسی بهتر از زنی که خشونت را تجربه می‌کند در مورد خشونت علیه زنان می‌داند؟

می‌توانید از زنی که به شما اعتماد دارد پرسید که چگونه خشونت زندگیش را تحت تاثیر قرار داده تا در این زمینه آگاهی بیشتری پیدا کنید. اگر به اندازه کافی راحت بود که با شما صحبت کند، به او گوش دهید.

۲ - مشکل را بشناسید، بیشتر یاد بگیرید

حقوق اولیه‌ای مانند ایمنی در خانه‌های خود، امکان راحت بیرون رفتن در شب و داشتن یک شغل به دور از آزار و اذیت، که معمولاً مردان به آن دسترسی راحت‌تری دارند برای زنان متفاوت است. زنان معمولاً از طرف مردانی که می‌شناسند بیشتر در معرض خطر هستند، کسانی مانند شوهر، دوست‌پسر، پدر، بستگان و کارفرمایان.

۳ - درباره این که چرا برخی مردان خشن هستند بیاموزید

مردان به طور طبیعی خشن نیستند. مطالعات در طول قرن گذشته نشان می‌دهد در نیمی از جوامع قبیله‌ای خشونت بسیار کمی علیه زنان، کودکان و یا علیه مردان دیگر وجود دارد. خشونت مردان نتیجه روشی است که بسیاری از مردان برای ابراز مردانگی خود را در ارتباط با زنان، کودکان و یا مردان دیگر می‌آموزند.

۴ - از خود شروع کنید

تغییر، زمانی انجام می‌شود که هر کدام از ما مسئولیت شخصی انجام آن را به عهده بگیریم. به عنوان مردانی که برای زن‌های زندگیمان ارزش قائل هستیم، می‌توانیم این مسئولیت را قبول کنیم تا کمک کنیم، زنان فارغ از ترس و خشونت زندگی کنند. همراه داشتن یک روبان سفید، نشان‌دهنده تعهد شخصی شما برای مقابله با خشونت علیه زنان است.

۵ - زبان تبعیض جنسی و جک‌هایی که باعث تحقیر زنان می‌شود را به چالش بکشید

جک‌های که به تبعیض جنسی دامن می‌زند به ساختن فضایی کمک می‌کند که انواع خشونت و سواستفاده را ممکن می‌کند.

کلماتی که ارزش زن را پایین می‌آورند، بازتاب نگاه جامعه‌ای هستند که در طول تاریخ، زنان را در موقعیت درجه دو قرار داده است. یکی از سخت‌ترین تمرین‌ها برای مردان به چالش کشیدن مردان دیگر در این موضوع است.

۶ - شناسایی و مقابله با آزار جنسی و خشونت در محل کار، مدرسه، و خانواده

لاس زدن و شوخی تنها در صورتی که با رضایت هر دو طرف باشد قابل قبول است. اظهارات ناخواسته‌ی جنسی، یا پیش بردن تماس و مکالمه در جهت‌های جنسی، و رفتارهای از این قبیل اگر توسط طرف دیگر مورد استقبال قرار نگیرد قابل قبول نیست.

۷- پشتیبانی از برنامه‌های محلی زنان

در سراسر جهان، زنانی که وقت خود را وقف مبارزه با خشونت کرده‌اند، خدمات پشتیبانی برای زنانی که قربانیان خشونت هستند تشکیل داده‌اند، این خدمات حمایتی عبارتند از پناه‌گاه، مرکز بحران تجاوز جنسی، خدمات مشاوره، و کلینیک کمک‌های حقوقی.

۸- واکاوی رفتار خود

اگر تاکنون از لحاظ جسمی در برابر یک زن رفتار خشونت‌آمیز داشته‌اید، شما نیز بخشی از این مشکل بوده‌اید. اگر مدت‌ها پیش اتفاق افتاده است، بپذیرید که کارتان اشتباه بوده است و در صورت امکان جبران کنید. اما اگر چنین رفتاری هنوز هم ادامه دارد، نیاز به کمک فوری دارید تا به عمق و ریشه این مشکل برسید و در صدد رفع آن برآیید.

۹- همراهی با راه‌حل‌های طولانی-مدت را در دستور کار خود قرار دهید

پایان یافتن خشونت علیه زنان، یک شبه اتفاق نمی‌افتد. تغییرات در نگرش‌ها، رفتارها، و نهادها زمان می‌برد. باید در چگونگی پرورش نسل آینده تأمل کنیم. باید به فرزندان خود با نشان دادن نمونه‌های درس‌آموز یاد بدهیم که تمام اشکال خشونت غیرقابل قبول هستند، و پسران ما برای مرد شدن احتیاجی به کنترل و یا تسلط بر زنان، سایر مردان، یا کودکان ندارند.

9 باور اشتباه درباره خشونت علیه زنان

Photo: nito/bigstockphoto.com

برگران: مرسته محرابی از [روبان سفید استرالیا](#)

یک: خشونت علیه زنان مساله‌ای است که تنها به زنان مربوط است.

خشونت علیه زنان شاید شرم‌آورترین و فراگیرترین نوع نقض حقوق بشر باشد. هیچ مرز جغرافیایی، فرهنگی یا مالی نمی‌شناسد. تا زمانی که ادامه دارد، نمیتوانیم ادعای پیشرفت واقعی به سمت برابری، توسعه و صلح را داشته باشیم. «کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد

از هر سه زن در سراسر جهان، یکی در طول عمر خود مورد خشونت قرار می‌گیرد، تنها به این دلیل که زن است.

خشونت علیه زنان به اندازه ایدز یا مالاریا همه‌گیر شده است. اما به طور کلی توسط عموم مردم و سیاست‌گذارانی که موفق به ایجاد برنامه و سرمایه برای ریشه کردن آن نمی‌شوند، کم اهمیت جلوه داده می‌شود.

خشونت علیه زنان، مساله مردان نیز هست. این همسران، مادران، خواهران، دختران، و دوستان مردان هستند که زندگیشان با خشونت و سواستفاده محدود شده است. خشونت بعضی از مردان، باعث بدنامی همه مردان می‌شود. این مساله مردان است چون به عنوان بخشی از رهبران جامعه و تصمیم‌گیرندگان، مردان می‌توانند نقش کلیدی در متوقف کردن خشونت علیه زنان ایفا کنند. این مساله مردان است چرا که اقلیتی از مردان با زنان و دختران با خشونت و تحقیر رفتار می‌کنند، و کمک برای ایجاد فرهنگی که خشونت‌پذیر نیست به عهده اکثریت است.

دو: برای جلوگیری از خشونت علیه زنان کاری از ما ساخته نیست.

برخی از افراد فکر می‌کنند تجاوز و خشونت خانگی امری اجتناب‌ناپذیر است، چون مردان «این‌گونه به دنیا آمده‌اند» و خشونت علیه

زنان، برآمده از زیست‌شناسی و ژنتیک است. یا به این دلیل که آن دسته از افراد که مرتکب خشونت می‌شوند، «روانی «یا» دیوانه» هستند و تغییر نمی‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که خشونت علیه زنان، محصول آموزه‌های اجتماعی و هنجارها و نابرابری‌های اجتماعی است.

همان‌طور که نگرش‌های حامی خشونت آموختنی است، می‌توانند از یاد هم بروند. به همین ترتیب، جوامع و دولت‌ها می‌توانند شرایط اجتماعی که خشونت را تغذیه می‌کنند تغییر بدهند و آن را با شرایطی که همراه با احترام و عدم خشونت است جایگزین کنند.

جوامع امروزی ما دیگر نمی‌توانند بهانه‌ای برای پرخاشگری بیاورند. فرزندان ما، خواهران ما، مادران ما و مادر بزرگان ما حق دارند که زندگی عاری از خشونت داشته باشند. دست‌آوردهای زیادی تا به امروز اتفاق افتاده، اما تغییر مورد نیاز، در بسیاری از سطوح احتیاج به تلاش هماهنگ و پایدار دارد. همچنین نیازمند به افزایش آگاهی، تغییرات قانونی، برنامه‌های ملی عملی، و تحقیقات است. خشونت مبتنی بر جنسیت به عنوان یک محصول از رفتارهای آموخته شده شناخته شده است و می‌تواند تغییر کند، به ویژه از طریق آموزش‌هایی که کودکان، نوجوانان و جوانان از هر دو جنسیت را هدف قرار بدهد.

با ارائه یک پیام روشن که مردان خشونت علیه زنان را تحمل نخواهند کرد، کمپین روبان سفید در راستای کمک برای پایان دادن به این مدل از نقض حقوق بشر قدم بر می‌دارد.

سه: زنان خود به تنهایی باید خودشان را از روابط خشونت‌آمیز بیورند.

دلایل بسیاری وجود دارد که زنان در روابط ناسالم می‌مانند: که عبارتند از ترس از تشدید خشونت، وابستگی مالی، انگ اجتماعی، عدم اعتماد به نفس، انزوا، ارزش‌های دینی و اخلاقی، عشق و تعهد و نگرانی برای کودکان، فشارهای خانوادگی و عدم حمایت جامعه: از جمله محل اقامت مناسب و مقرون به صرفه.

مردی که با همسر خود با خشونت رفتار می‌کند، معمولاً از طیف وسیعی از استراتژی‌ها استفاده می‌کند تا او را بیشتر به خود وابسته و تشویق به پیروی از خودش کند. مانند: نظارت بر حرکات او، از بین بردن اعتماد به نفس، و تشویق زن به سرزنش خودش برای مورد خشونت قرار گرفتن. وابستگی‌های از این قبل نیز ترک کردن یک رابطه ناسالم را سخت می‌کنند.

چهار: بعضی سزاوار خشونت هستند چون خود محرک خشونت هستند.

مسئولیت خشونت فقط و فقط بر دوش خشونت‌گر است. اکثر قربانیان همه تلاش خود را می‌کنند که همسر یا شریک خود را راضی نگه دارند و از تکرار بیشتر خشونت جلوگیری کنند.

پنج: خشونت علیه زنان تنها در گروه‌های خاص رخ می‌دهد.

خشونت علیه زنان در تمام جنبه‌های جوامع ما، صرف نظر از نژاد، اعتقادات مذهبی، سطح سواد، گرایش میلی، شغل، موقعیت اجتماعی، یا فرهنگی یا پس‌زمینه‌های قومیتی رخ می‌دهد.

شش: خشونت‌گران بیمار عصبی یا روانی هستند.

مطالعات بالینی این ادعا را پشتیبانی نمی‌کند. اکثریت قریب به اتفاق مردان خشونت‌گر از بیماری‌های روانی رنج نمی‌برند و نمی‌توان آنها را به عنوان بیماران روانی توصیف کرد. اکثر این افراد مردان محترمی به نظر می‌آیند که کاملاً بر خود مسلط هستند. آنها در تمام مشاغل و طبقات اجتماعی حضور دارند و معمولاً خشونت آنها تنها در ارتباط با شریک زندگیشان و فرزندانشان آشکار است.

هفت: برخی از افراد به خشونت نیاز دارند، از آن لذت می‌برند یا به آن معتاد هستند.

استفاده از خشونت یک انتخاب است: آنهایی که مرتکب خشونت می‌شوند، انتخاب می‌کنند کی، کجا و چگونه عمل کنند. به دور از علاقه به خشونت، قربانیان متوجه می‌شوند که خشونت، رابطه را از بین می‌برد، و بسیاری از مردم در شرایط خشونت‌آمیز در نهایت رابطه را ترک می‌کنند.

هشت: خشونت علیه زنان نتیجه استعمال مواد مخدر یا الکل است.

تقریباً تعداد افراد هوشیار و مست خشونت‌گر مساوی است. جایی که مطالعات نشان می‌دهد که مردان مست بیشتر شریک‌شان را مورد خشونت قرار می‌دهند، قادر به توضیح نیستند که چرا بسیاری از مردان مست (۸۰٪ از مصرف‌کنندگان سنگین و دائم الخمر) همسران خود را مورد خشونت قرار نمی‌دهند! الکل و سایر مواد مخدر توسط خشونت‌گران استفاده می‌شوند تا مجوزی به آنها برای ابراز خشونت اجازه بدهد.

نه: خشونت تنها برای گروه خاصی از زنان اتفاق می‌افتد.

تحقیقات بارها نشان داده‌اند که خشونت از تمام مرزها عبور می‌کند و می‌تواند برای تمام زنان در همه موقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی اتفاق بیفتد.

مبارزه با ارواح، برای حفظ و دفاع از خود



عکس: UN/DPI/Monica Paulus

مترجم: نگار

رایج است. مردم غالباً بر این باورند که مرگ، بیماری، سرقت و یا تصادف "پاپوآ گینه نو" اتهام جادوگری میان جوامع ساکن در ارتفاعات ریشه در جادوگری دارد که اغلب کار یک زن تبه کار است. مونیکا پلوس فعال حقوق بشر محافظت از این قبیل زنان را که به اشتباه متهم می‌شوند به عهده دارد. او بی باک، مصمم و صریح است و زنان و دختران زیادی را که متهم به جادوگری بوده اند را از مجازات‌های خشونت آمیز و یا مرگ نجات داده است.

به دلیل مخالفت افکار عمومی، مونیکا برای حفاظت از این زنان، اغلب آنها را از جوامع آنها جابجا می‌کند. او زمین و آسمان را بهم می‌دوزد تا اطمینان حاصل کند که آنها به عدالت دسترسی دارند. او به دادگاه می‌رود و استراحت ندارد تا زمانی که مجرمان مجازات شوند، گاهی برنده است و گاهی بازنده اما مونیکا حاضر نیست تسلیم شود و دست بکشد.

دو عامل به من کمک کرده تا به جایی که امروز هستم برسم؛ خواسته قلبی من و اینکه خودم نیز قربانی خشونت بوده‌ام. آن زمان که یک قربانی بودم هیچ کسی در کنار من نبود بنابراین می‌خواهم برای زنان دیگر کسی باشد. ما باید حامی یکدیگر باشیم و به خاطر داشته باشیم که انجام این کار ضروری است. قربانیان خیلی خوشحال می‌شوند اگر یک حامی برای دفاع از آنها وجود داشته باشد، این محرک من "برای دفاع از حقوق بشر است."

هر روز که می‌گذرد اعتقاد راسخ او به حمایت و دفاع از زنان متهم قوی تر و بیشتری می‌شود.

شما هرگز نباید خود را به دلیل زن بودن دست کم بگیرید، هر کاری را که فکر می‌کنید می‌توانید انجام دهید؛ می‌توانید "او می‌گوید: انجام دهید. ما باید در کنار هم بایستیم و از حقوق انسانی یکدیگر حمایت و دفاع کنیم. تا زمانی که احترام وجود نداشته باشد، دنیا "تعادل ندارد"

همبستگی‌های حقوقی و خشونت‌های ساختاری



Hibr عکس:

نگارحقوقدان و روزنامه - مهناز شریف

کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل در ۶۶۹۱ را شاید بتوان یکی از اصلی‌ترین اسناد حقوق بشری به حساب آورد که به نقش و کارکرد ایجابی دولت‌ها در تحقق حقوق بشر تاکید می‌کند. در میان تمامی اسناد حقوق بشری، این سندی یگانه است پردازد و نقش و کارکرد دولت را در تامین یا تضييع می «های مثبت‌آزادی» یا اصطلاحاً «حقوق نسل دوم بشر» که به طور مشخص به حقوق بشر محوری قلمداد می‌کند.

خوانیم: ۰۱ این کنوانسیون می‌های دولتی، در ماده‌ریزی حقوق خانواده یا ضرورت حمایت یا برنامه برای نمونه، در زمینه

دارند که قبول میثاق این کشورهای طرف»

و برای تشکیل برخوردار گردد. به ویژه حد اعلای ممکن به و مساعدت ؛ باید از حمایت‌است که عنصر طبیعی و اساسی جامعه خانواده که طرفین آزادانه باید با رضایت دارد. ازدواج خود را به عهده کودکان و پرورش نگاهداری و آموزش مسئولیت که و مادام استقرار آن «شود. را دارند واقع قصد آن

در پیوند با همین موضوع، باید اذعان داشت که آن سطح از خشونت ساختاری که در جوامعی به مانند ایران از طریق رژیم‌ها و ساختارهای حقوقی، در نهاد خانواده و در میان مناسبات آن اعمال می‌شود؛ به نوعی کم‌مانند است.

به هر روی باید پذیرفت که دولت‌ها از این توان تشکیلاتی برخوردارند که از طریق نظام‌های حقوقی خود، خشونت سازمان‌یافته و نظام‌مند را در نهاد خانواده پیاده کنند.

نا... ارث، دیه، ازدواج، طلاق، حضانت کودکان و برخوردهای نابرابر، تحت عنوان نظام فقه شیعه در ایران در زمینه برای مثال در حوزه برابری فراوانی بین زن و مرد وجود دارد.

شود. های جسمی محدود می، صرفاً به خشونت «خشونت» گرایانه باشد اگر گمان کنیم دامنه همچنین بسیار تقلیل

توان کرد که های فیزیکی در نظر گرفت. فرضاً پنهان نمی را باید بسیار فراتر از خشونت «خشونت» معنایی واقعیت امر این است که گستره خشونت ساختاری یا قانونی که از طریق رژیم های حقوقی مختلف اعمال می شود؛ تاثیر مخرب تری دارند.

تر و البته های فردی یا فیزیکی نیست و باید در سطحی کلان خشونت، نه تنها قابل فروکاستن به خشونت رسد که دامنه به هر روی به نظر می توسعه» مصونیت در برابر خشونت را نیز باید در پیوند با سایر حقوق اجتماعی و اقتصادی و مسئله تر به تحلیل مسئله پرداخت؛ بلکه عمیق حق دسترسی به محیط زیست» و «حق به صلح» مفهومی حقوق بشری است که امروز در کنار «توسعه پایدار» ارزیابی کرد. «پایدار های ساختاری که در قالب شود. واقعیت این است که مبارزه با خشونت به ویژه خشونت بندی می طبقه «حقوق نسل سوم»، در زمره «سالم آن است. پایدار و ملازمات شود، تنها در گروه توسعه جوامعی همانند ایران تجربه می

حقوقی باید دقت داشته - های اجتماعی را به عنوان یک هدف جمعی بخواهیم در نظر بگیریم، به چه ظرافت «عدم خشونت» اما اگر با کارکرد نهاد دولت و مناسبات حقوقی کدام است؟ «عدم خشونت» باشیم؟ فرضاً نسبت

های عضو خواسته که همان زمان در مجمع عمومی سازمان ملل، در اعلام رسمی روز بی خشونت تصویب شد، از تمامی دولت نامه در قطع شده است که این روز را پاس بدارند و در راستای جهانی عاری از خشونت گام بردارند. در بخش کوتاهی از متن این قطعنامه، به نکته کند؛ در بخشی از این متن آمده است که عدم خشونت، مهمی اشاره شده که نگارنده بنا دارد در این یاد داشت مشخصاً بر روی آن تاکید ای همگی مجموعه ... های و های اساسی، دموکراسی، توسعه، درک متقابل و احترام به تفاوت مدارا، احترام کامل به حقوق بشر و آزادی «بسته هم» هستند.

عدالتی یا زمان به بی صحبت کنید؛ اما هم «صلح پایدار» یا «عدم خشونت»، «دموکراسی» توانید از به این معنا که فرضاً شما نمی سد که رهای اجتماعی جدا از هم قابل تحقق نیست. به نظر می تفاوت باشید. حقوق و آزادی خود بی آمیز حاکم در جامعه رفتارهای تبعیض آن برخورد شود. حقوقی و تبعیض است که با عوامل اجتماعی و اقتصادی به وجود آورنده با بی «ضرورت مبارزه» این

همبستگی حقوق و آزادی ها در جامعه

ایم (چه درها تجربه کرده را تقریباً در تمامی حوزه «تبعیض» و «استبداد» ای طولانی ازای که سابقه شاید برای ما شهروندان خاورمیانه تر است. ملموس «اجتماعی - ها حقوقی همبستگی» تری نظیر خانواده) درک و فهم های کوچک عمومی و چه در قالب نهاد عرصه

نظام» هستیم در آن حدی که امروزه در عراق یا سوریه شاهد های لگام گسیخته، عربیان و بی های این خشونت رسد که ریشه فرضاً به نظر می های قشری مذهبی از اسلام، به چنان ابعادی از خشونت دست زده است با فقر فرهنگی و برداشت است. نظامی که همراه «پایدار تبعیض که دست کم در تاریخ مدرن این منطقه بی مانند است.

به نظر می رسد که خشونت های ساختاری یا نابردباری های فراگیر را نیز بایستی در چنین چهارچوب هایی تحلیل کرد. هر چند که در این های ساختار نیز نباید غافل ماند. باز تولید این خشونت مذهبی در تحکیم و - های سنتی میان، از نقش پررنگ برخی از آموزه

ی شود؛ نمونه تر جوامعی به مانند ایران دیده می های سنتی که مشخصاً در بافت های پدرسالارانه فرضاً تداوم نظام مردسالاری یا ارزش دهد. می «پایدار» و «ساختاری» مانده است که به خشونت و نابردباری موجود، بعدی های عقب مناسبی از قدرت مخرب این ذهنیت

عقیدتی عمیقی دارند طرف هستید؛ باید به این نکته دقت - های فرهنگی هایی که ریشه یا تبعیض «خشونت ساختاری» زمانی که شما با کنید که کار مبارزه با نابردباری و رفع خشونت نیز دشوارتر می شود.

در جوامعی که دست کم قدرت سیاسی حاکم، برنامه هایی برای توسعه و زدودن ارزش ها و هنجارهای دارد؛ ممکن است که کار کمی آسان تر به نظر برسد؛ اما کار مبارزه زمانی به حتم سخت تر خواهد شد که خود دستگاه یا ساختار سیاسی حاکم نه فقط با شما همراه نیست؛ کند. زا نیز عمل می های خشونت در جهت باز تولید و ترویج این ارزش بلکه

های ساختاری دامن است. مناسبی از چنین وضعیتی است. رژیمی که ماهیتی پرتبعیض دارد و خود به خشونت رژیم حقوقی ایران، نمونه های مذهبی که آشکار از حقوق برابر برخوردار نیستند) کنند (فرضاً درمواجه با اقلیت هایی که نه تنها در سطحی کلان عمل می خشونت اند. تر نیز قابل ردگیری اما گسترده - تردد سطحی خرد بلکه ۱

تواند خشونت ساختاری یا قانونی نام گیرد. کاملی از آن چیزی است که می به بیانی دیگر، رژیم حقوقی خانواده در ایران، نمونه

پانویس:

های مذهبی در مجلس خبرگان یا تصدی به پست ریاست جمهوری میسر نیست. برابر قانون اساسی ایران، امکان عضویت اقلیت - ۱ اقلیت‌های مذهبی ایران همچنین امکان کار در مشاغل قضایی را ندارند.

مراجعه نماید. [پیوند](#) توانید به این متن فارسی کنوانسیون حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی می برای مطالعه - ۲

توانید مراجعه کنید. می [این پیوند](#) سازمان ملل در معرفی روز جهانی منع خشونت در متن قطعنامه - ۳

قربانیان پنهان: کودکانی که والدینشان در صف اعدام هستند



عکس: ntr23

مترجم: شب‌نم صبا

اسم من تانیاست. در زندان متولد شدم و همان روز تولدم به پدرم تحویل داده شدم. هر دو والدینم فعالین سیاسی بودند. در ماه مارچ ۴۸۹۱، زمانی که فقط یک سال داشتم، جسد مادرم که ۸۲ سال داشت به خانواده مان تحویل دادند و پدرم سه روز بعد به تبعید فرستاده شد. من هیچ وقت داشتن خانواده را تجربه نکردم و به عنوان یک زن جوان نمی دانم داشتن مادر چگونه است. من مصرانه از همه را تصویب نکرده اند می خواهم که آن را "دومین پروتکل اختیاری پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی" کشورهای که هنوز تصویب کنند و آرزو می کنم روزی برسد که هیچ پدر و مادری اعدام نشوند و هیچ کودکی بدون حمایت پدر و مادرش نباشد. (تانیاستان زندگی اش را در مناظره شورای حقوق بشر که درباره حقوق انسانی کودکانی که والدینشان به مرگ محکوم و یا اعدام شدند تعریف کرد).

مطالعات محدودی درباره تجربه کودکانی که والدینشان به مرگ محکوم؛ و یا یکی از آنان اعدام شده انجام گرفته است. هر چند از اطلاعات موجود واضح است، کودکانی که والدین خود را به دلیل محکومیت های طولانی و یا اعدام از دست داده اند از غم و اندوه و ضربه های روحی بلند مدت و عمیق رنج می برند. این فقدان می تواند به دلیل اینکه آنان اغلب بدون کمک و تکیه گاه، مانند نداشتن سر پناه، سرپرست، و عدم امکان تحصیل رها می شوند فاجعه بر انگیز باشد. این کودکان، که هیچ کس از تعداد واقعی آنها مطلع نیست، اغلب در جامعه با تحقیر و تبعیض روبرو می شوند.

، در میز گرد شورای حقوق بشر درباره حقوق انسانی کودکانی که والدینشان به Flavia Pansieri معاون کمیساریای عالی حقوق بشر، بیش " مرگ محکوم شده و یا اعدام می شوند، توجه حضار را به تمایل روز افزون کشورها، به لغو مجازات اعدام جلب کرد. به گفته وی " از ۵۱ عضو از ۳۹۱ عضو کشورهای عضو سازمان ملل متحد حکم اعدام را یا متوقف کرده اند و یا اجرا نمی کنند.

اظهار کرد، کشورهای عضوی که هنوز از مجازات اعدام استفاده می کنند، باید بدانند چگونه با عواقبی که استفاده Pansieri اگر چه از مجازات اعدام بر روی جامعه، به خصوص بر روی خانواده افرادی که به مرگ یا اعدام محکوم شده اند، بر جای می گذارد مقابله کنند.

همکاری و در برخی کشورها با کودکانی که والدین شان به مرگ و یا " اشک های صبحگاه " دفتر یار حقوقی که با سازمان یک چین، تجربه کودکانی Henan ، پایتخت استان Zhengy hou محکومیت های بلند مدت مجازات شدند کار می کند، در پروژه ای در نمی خواهد، حتی خانواده ها و اقوامشان، و بیشتر "هیچ کس آنها را واقعا "معمولا" که سرپرستی آنها را به عهده داشت شرح می دهد. آنها از خانواده های تنگدست هستند. اغلب کودکانی که به اینجا می آیند حداقل به مدت یک سال اینجا می مانند اما در بیشتر موارد، " برای ۰۱ سال و یا بیش از آن ماندگار می شوند.

، نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل برای خشونت علیه کودکان، در اظهاراتی که از سوی او برای شورا قرائت شد Marta Santos Pais “صدور حکم اعدام برای والدین، برخورداری طیف وسیعی از کودکان را از حقوقشان به خطر انداخته است.” می گوید:

حقوق بشر“ ، مدیر بحث و مذاکرات، نماینده دائم بلژیک در سازمان ملل در ژنو، لزوم رویکرد Bertrand de Crombrugghe “ او گفت، دولت ها باید“ کودکان نباید بهای کاری که پدر و مادرشان مرتکب شده اند بپردازند ” را بر شمرده و بیان کرد ” دوستانه مسئولیت عواقب ناخواسته سیستم عدالت کیفری خود را به عهده گیرند.

تجربه این Rwan دانشیار دانشگاه Sandra Jones شمار کودکانی که والدینشان با مجازات اعدام مواجه می شوند نامعلوم است. به کودکان بسیار دردناک است. او می گوید که این کودکان به شدت احساس تنهایی می کنند، آنها خود را منزوی کرده و از شرم درونی و انتظار خیر کشته شدن والدین شان رنج می برند. اغلب، این کودکان احساس می کنند باید مدافع والدین زندانی شان باشند و با وحشت مجبورند با بسیاری از مسائل روانی، افسردگی، اضطراب، مشکلات رفتاری و خشم مقابله “زندگی کنند. به گفته او، این کودکان معمولاً کنند.

، یک سازمان غیر دولتی مستقر در اوگاندا، با ارائه امکانات تحصیلی و رفاه عمومی، از کودکانی که یکی از والدین “چشمه امید” مرکز ، مدیر اجرایی سازمان، اگرچه آخرین اعدام در اوگاندا Francis Ssuubi آنان یا هر دوی آنها در زندان هستند حمایت می کند. به گفته انجام شد، اما هنوز ۸۰۴ نفر دیگر در انتظار اعدام هستند. کودکان کسانی که محکوم به مرگ هستند شناسایی نمی در سال ۱۹۹۱ شوند، برخی همچنان بر این باورند که جرم والدین باید با کودکان قسمت شود.

از کشورها درخواست کرد تا دستگاه عدالت کیفری کودک محوری را در نظر بگیرند که به کودکان اجازه تماس بین آنها و Ssubi والدینشان در زندان را بدهد.

، از مرکز ملی حقوق بشر اردن، بیان داشت بسیاری از مؤسسات حقوق بشر می توانند نقش مؤثری در حفاظت از Nisreen Zerikat حقوق انسانی کودکان زندانیان محکوم به اعدام، به خصوص با تسهیل بازدید از زندان فراهم کنند.

، از کمیته سازمان ملل متحد درباره حقوق کودکان، تاکید کرد زمانی که والدین حکم اعدام Jorge Cardona مدرس دانشگاه ، دریافت می کنند، منافع کودکان باید به بهترین وجه در نظر گرفته شود. وی بیان داشت، کشورهایی که عضو مجمع حقوق کودک هستند از نظر قانونی موظف به ایجاد ارزیابی تصمیماتی هستند که در ارتباط با کودکی اتخاذ می شود .

در آخرین گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد، با تاکید بر اینکه اینجا به یک اقدام سریع نیاز هست وضعیت کودکانی که والدینشان با بررسی کلی تاثیر سیستم اشد مجازات، “ مجازات اعدام روبرو بوده و نیز کودکانی که والدین آنها اعدام شده اند اشاره شده است؛ که شامل اثرات اجتماعی، اقتصادی و روانشناسی بر روی کودکانی که والدینشان اعدام شده یا حکم اعدام گرفته اند .

، و گزارشگر ویژه Christof Heyns در تاریخ ۱۰ اکتبر، روز جهانی بر علیه مجازات اعدام ، گزارشگر ویژه اعدام های فرا قضایی ، از جامعه بین المللی تقاضا کرد که تلاش های جهانی برای غیر قانونی شماردن همیشگی مجازات Juan E.Menedez شکنجه، اعدام را شدت بخشند.

کارشناسان در حالی که نگرانی عمیق خود را درباره از سر گیری اخیر اعدام ها در تعدادی از کشورها بعد از یک دوره طولانی رعایت هنوز کشورهایی وجود دارند که برخلاف استانداردهای تعیین شده قوانین بین المللی، “ کردن ممنوعیت اعدام ابراز کرده و اظهار می کنند: “ مردمشان را همچنان اعدام می کنند

[لینک منبع](#)